



در آمدی بر
عقلانیت اسلامی و دلالت‌های آن در مدیریت دولتی
(با تأکید بر آیات و روایات)

دکتر احسان رحیمی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
زمستان ۱۴۰۳

رحیمی، احسان، ۱۳۶۸-
درآمدی بر عقلانیت اسلامی و دلالت‌های آن در مدیریت دولتی (با تأکید بر آیات و روایات) / احسان رحیمی.
-- قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۳.
۲۸۶ ص. -- (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۷۶۳؛ مدیریت: ۵۴)
ISBN: 978-600-298-557-6
بها: ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
۱. عقل‌گرایی (اسلام). ۲. Rationalism (Islam)*. ۳. مدیریت دولتی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام.
۴. Public administration -- Religious aspects -- Islam. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
BP۲۲۹/۲ ۲۹۷/۴۸۱۲
شماره کتابشناسی ملی ۹۹۲۰۸۷۵



درآمدی بر عقلانیت اسلامی و دلالت‌های آن در مدیریت دولتی (با تأکید بر آیات و روایات)
مؤلف: دکتر احسان رحیمی (عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی)
ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
ویراستار: عاطفه خدایی
صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه
چاپ اول: زمستان ۱۴۰۳
تعداد: ۲۰۰ نسخه
لیتوگرافی: سعیدی
چاپ: قم-سبحان
قیمت: ۲۲۹۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۸-۵۵۷-۶

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.
قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص.پ. ۳۷۱۸۵-۳۱۵۱
تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰
www.rihu.ac.ir info@rihu.ac.ir
فروشگاه اینترنتی: https://shop.rihu.ac.ir
مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظرگرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی رحمته‌الله، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۷۶۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر برای دانشجویان رشته مدیریت، و علوم سیاسی در مقاطع تحصیلات تکمیلی تألیف شده است. از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان، پژوهشگاه لازم می داند از تلاش های مؤلف محترم اثر، دکتر احسان رحیمی و از ناظر محترم طرح، دکتر ابوالفضل گائینی سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات

چستی، چرای و چگونگی پژوهش.....	۱
۱-۱. چستی پژوهش (مسئله‌شناسی پژوهش).....	۱
۱-۲. چرای پژوهش.....	۶
۱-۳. چگونگی پژوهش.....	۷
۱. گردآوری داده‌ها.....	۱۳
۲. تحلیل داده‌ها.....	۱۳
۱. تعیین مناسب بودن پژوهش دلالت‌پژوهی.....	۱۵
۲. تعیین مأخذ احصا دلالت‌ها برای پرداختن به مسئله پژوهشی.....	۱۵
۳. تعیین فرایندی برای واکاوی ابژه منتخب.....	۱۵
۴. تعیین چهارچوب مفهومی موضوع دلالت پژوهی.....	۱۶
الف) رویکرد نظام‌مند.....	۱۶
ب) رویکرد برایشی.....	۱۶
ج) رویکرد لنز نظری.....	۱۷
د) رویکرد تلفیقی.....	۱۷
ه) رویکرد تقدم شناسایی سهم‌یاری‌ها و ایده‌ها بر چهارچوب مفهومی.....	۱۷
۵. نمونه‌گیری نظری ابژه دلالت‌پژوهی.....	۱۸
۶. احصای سهم‌یاری‌های ابژه دلالت پژوهی.....	۱۸
۷. اعتبارسنجی سهم‌یاری‌های ابژه دلالت پژوهی.....	۱۹
۸. متناسب‌سازی سهم‌یاری‌ها با چهارچوب مفهومی موضوع دلالت‌پژوهی.....	۲۰
۹. احصاء دلالت‌های مورد نظر.....	۲۱
اعتبارسنجی دلالت‌های احصایی.....	۲۲

فصل دوم: چیستی عقلانیت

۲۶	۱-۲. وجوه معناشناختی واژه عقل.....
۲۶	۱. امساک، بستن و گره زدن.....
۲۷	۲. علم و ادراک تام و حقیقی.....
۲۷	۳. قوه ادراک.....
۲۷	۴. نفس مدرک.....
۲۸	۵. وصل کردن، اتصال به حقیقت.....
۲۹	۲-۲. مرور تاریخی اصطلاح عقلانیت.....
۳۰	عقلانیت پیشافلسفی یا اسطوره‌ای.....
۳۱	عقلانیت سنتی (کلاسیک).....
۳۵	عقلانیت جدید (مدرن).....
۳۹	عقلانیت پست‌مدرن.....
۴۱	جمع‌بندی.....
۴۲	۳-۲. عقلانیت، معرفت‌شناسی و علم.....
۴۵	جمع‌بندی.....
۴۶	۲-۴. عقلانیت و پارادایم‌ها.....
۴۸	الف) اثبات‌گرایی.....
۴۹	ب) فرااثبات‌گرایی.....
۴۹	ج) تفسیرگرایی.....
۵۰	د) انتقادی.....
۵۱	ه) پراگماتیسم.....
۵۲	و) رئالیسم انتقادی.....
۵۴	جمع‌بندی.....
۵۵	۲-۵. عقلانیت و علوم اجتماعی.....
۶۴	۲-۶. عقلانیت و دین.....
۶۶	۱. رویکرد تخطئه.....
۶۶	۲. رویکرد حذف.....
۶۷	۳. رویکرد توجیه.....
۶۷	۴. رویکرد تکمیل.....
۶۸	۵. رویکرد واقع‌بینانه.....
۷۱	۲-۷. عقلانیت و علوم اسلامی.....
۷۱	۱. عقل به‌مثابه نیروی ادراک.....
۷۵	۲. عقل به‌مثابه مدرکات عقلی.....
۷۷	۳. عقل به‌مثابه موجود مجرد.....
۷۷	۲-۸. گونه‌شناسی تعابیر عقلانیت.....

الف) تعابیر هستی‌شناختی: عقل به‌مثابه موجودی متمایز.....	۷۷
۱. عقل به‌مثابه موجودی مستقل از انسان.....	۷۷
۲. عقل به‌مثابه قوه‌ای از قوای انسان.....	۷۹
ب) تعابیر معرفت‌شناختی: عقل به‌مثابه ادراک و معرفت انسان.....	۸۱
۱. عقل به‌مثابه موضوع ادراک و معرفت انسان.....	۸۲
۲. عقل به‌مثابه مراتب ادراک و معرفت انسان.....	۸۴
۳. عقل به‌مثابه قلمرو ادراکی و معرفتی انسان.....	۸۴
۴. عقل به‌مثابه روش‌های حصول معرفت.....	۸۶
ج) تعابیر کارکردشناختی: عقل به‌مثابه راهنمای زندگی انسان.....	۸۷

فصل سوم: تطورات عقلانیت در نهضت‌های مدیریت دولتی

۱-۳. مدیریت اداری و اداره عمومی سنتی.....	۹۲
۲-۳. اداره عمومی جدید.....	۹۴
۳-۳. مدیریت دولتی جدید.....	۹۶
۴-۳. مدیریت خدمات عمومی جدید.....	۹۷
۵-۳. دولت شبکه‌ای و حکمرانی شبکه‌ای.....	۱۰۱
۶-۳. نهضت مدیریت ارزش عمومی.....	۱۰۲
۷-۳. نهضت تلفیقی مدیریت دولتی.....	۱۰۵

فصل چهارم: گستره عقلانیت پژوهی در قلمرو دانش مدیریت دولتی

۱-۴. قلمروشناسی نظری و عملی مدیریت دولتی.....	۱۰۹
۱. مبانی فلسفی.....	۱۱۰
۲. ارزش‌های کلیدی مدیریت دولتی اسلامی.....	۱۱۰
۳. اهداف مدیریت دولتی اسلامی.....	۱۱۱
۴. ساختار نظام اداری.....	۱۱۱
۵. نیروی انسانی.....	۱۱۱
۶. شیوه‌ها و ابزارهای مناسب.....	۱۱۱
۷. نحوه تعامل با مردم.....	۱۱۱
۸. فرایند مدیریت در بخش دولتی اسلامی.....	۱۱۲
۹. فرهنگ سازمان‌های دولتی اسلامی.....	۱۱۲
۱۰. پیوندها و تعامل عناصر چهارچوب مدیریت دولتی اسلامی.....	۱۱۲
۱. نگاه محدود گستره.....	۱۱۲
۲. نگاه بزرگ گستره.....	۱۱۳
۳. دیدگاه متعارف.....	۱۱۳

۱۱۶	۲-۴. گونه‌های عقلانیت در مدیریت دولتی.....
۱۱۸	۱-۲-۴. عقلانیت اقتصادی.....
۱۱۸	۲-۲-۴. عقلانیت سیاسی.....
۱۱۹	۳-۲-۴. عقلانیت قانونی.....
۱۱۹	۴-۲-۴. عقلانیت حرفه‌ای (علمی).....
۱۲۰	۳-۴. مرور پیشینه تحقیقات انجام شده.....

فصل پنجم: چهارچوب عقلانیت اسلامی

۱۲۹	۱-۵. احصای مضامین و دسته‌بندی آنها.....
۱۲۹	مرحله اول: جستجوی منبع معتبر و جامع احادیث معصومان.....
۱۳۰	مرحله دوم و سوم: جستجوی کلیدواژه‌های مرتبط با مسئله پژوهش و گردآوری داده‌ها.....
۱۳۰	مرحله چهارم و پنجم و ششم: کدگذاری اولیه و ثانویه و تشکیل شبکه مضامین.....
۱۳۸	۲-۵. ترکیب مضامین و صورت‌بندی سهم‌یاری‌ها.....
۱۳۸	مرحله هفتم: تحلیل و تفسیر شبکه مضامین و استخراج سهم‌یاری‌های عقلانیت اسلامی.....
۱۳۸	۱. زمینه‌ها.....
۱۳۹	۲. اندیشه، نگرش و بینش.....
۱۴۰	۳. منش‌ها، صفات، گرایش‌ها و انگیزه‌ها.....
۱۴۰	۴. کنش‌ها، رفتارها و اعمال.....
۱۴۱	۵. پیامدها.....
۱۴۱	۳-۵. جمع‌بندی و تحلیل شبکه مضامین.....

فصل ششم: دلالت‌یابی چهارچوب عقلانیت اسلامی در قلمرو دانش مدیریت دولتی

۱۵۳	۱-۶. دلالت‌های عقلانیت اسلامی در نظریه سازمان.....
۱۵۸	۲-۶. دلالت‌های عقلانیت اسلامی در نظریه مدیریت.....
۱۶۰	۳-۶. دلالت‌های عقلانیت اسلامی در نظریه خط‌مشی‌گذاری عمومی.....
۱۶۵	منابع و مأخذ.....
۱۷۵	پیوست: مضامین مستخرج از متون منتخب تحقیق.....

فصل اول

کلیات

چیستی، چرایی و چگونگی پژوهش

۱-۱. چیستی پژوهش (مسئله‌شناسی پژوهش)

دولت‌ها و حکومت‌ها در هر جامعه‌ای مهم‌ترین نهاد به‌شمار می‌روند، طوری‌که رشد و توسعه نهادهای دیگری همچون خانواده، آموزش، بازار و حتی مذهب به شدت وابسته به اقدامات دولت‌ها و حکومت‌ها و برنامه‌ها و طرح‌هایی است که آنها برای توسعه و در تقویت این نهادها تدوین و اجرا می‌کنند. علت وجود دولت این است که مطالبات و خواسته‌های مردم را پیگیری و محقق نماید؛ زیرا دولت به منزله نماینده شهروندان پذیرش مسئولیت می‌کند و از این‌رو، می‌باید تمام تمرکز خود را روی شناسایی و حل مسائل و مشکلات شهروندان قرار دهد. در این راستا، دولت‌ها در قبال اقدامات خود و میزان پیگیری منافع عمومی به شهروندان پاسخگو هستند (طهماسبی، ۱۳۹۵، ص ۷).

شکل‌گیری نظام‌های اداری مدرن یا به عبارتی دولت‌های مدرن تنها به چند سده پیش برمی‌گردد. و به موازات گرایش جوامع به سمت صنعتی شدن و شکل‌گیری مدرنیته، اشکال نوینی از دولت‌ها نیز ظهور نموده که دموکراسی را کانون توجه خود قرار داده‌اند. همراه با شکل‌گیری دولت‌های مدرن، نیاز به مطالعه و بررسی در مورد وظایف و چگونگی عمل و اداره آنها بیشتر مورد توجه قرار گرفت که نتیجه آن شکل‌گیری رشته مدیریت دولتی بود.

اهمیت مدیریت دولتی بر کسی پوشیده نیست. مدیریت دولتی به چیدمان انسان‌ها (کارکنان و مدیران دولتی)، مواد و پول در قالب برنامه‌ای مشترک (بین عناصر درون مدیریت دولتی، بین مدیریت دولتی و بخش خصوصی، بین مدیریت دولتی و بخش غیر انتفاعی و...) برای تحقق

اهداف خط مشی عمومی اشاره دارد. مدیریت دولتی در پی کسب سود نیست؛ بلکه به رفاه عمومی شهروندان می‌اندیشد؛ یکپارچگی ملی را حفظ کرده و آن را از دست اندازی‌های بیرونی و تلاطمات داخلی محافظت می‌کند (دانائی‌فرد، ۱۳۹۰).

مدیریت دولتی در کشورهای اسلامی، علاوه بر مسئولیت‌های رایج، مسئولیت کمک به رشد شهروندان را نیز برعهده دارد؛ یعنی باید شرایط را به گونه‌ای فراهم کند که دین و اعتقادات مردم تقویت و مسیر حرکت آنها همسو با ارزش‌ها و منویات شرع مقدس شود. مسائل درونی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشور را طوری ساماندهی کند که خدا باوری، خداگرایی و خدادوستی را در دل و جان شهروندان ساری و جاری سازد تا به مصداق آیه «دنیا مزرعة آخرت است» اعمال شهروندان قریب به چیزی باشد که هر مسلمانی دوست دارد. وقتی وارد دادگاه پاسخگویی خداوند می‌شود، بتواند پاسخگو باشد. اگرچه دین داری امری شخصی است؛ ولی محمل دین پروری و دین دوستی، جامعه و محافل اجتماعی است و هرچه مدیریت دولتی با برنامه‌ها و فعالیت‌های سنجیده خود به تقویت آزادانه دینداری کمک کند نقش مهم‌تری، هر چند غیر مستقیم، در تأمین آخرت مردمان خواهد داشت. فقر، کم درآمدی، بی‌بندوباری، بی‌عدالتی و رانت‌جویی، شهروندان مستعد را به سمت خود می‌کشد و بی‌تقوایی را که ریشه تخریب آخرت برای هر مسلمانی است در جامعه ترویج می‌کند.

نظام‌های سیاسی حاکمیت خود را در قالب محملی به نام دولت اعمال کرده‌اند که هر دولت برای اداره امور عمومی مملکت خویش رویکرد و راهبردی را در پیش گرفته است. این دولت‌ها از حیث نگاه مدیریتی‌شان عناوینی همچون دولت مدیریتی، دولت قانونمدار، دولت حزبی، دولت حرفه‌ای، دولت اخلاقی، دولت مردم سالار دینی و ... تقسیم‌بندی شده‌اند. هریک از دولت‌های مذکور برای اداره امور عمومی، رویکردهایی را در پیش گرفته‌اند که برخی از آنها عبارت‌اند از: رویکرد قانونی، رویکرد سیاسی، رویکرد مدیریتی، رویکرد حرفه‌ای، رویکرد اخلاقی، رویکرد دینی و این رویکردها هر کدام برای تحقق راهبردهای خویش مسبوق به الگویی از عقلانیت هستند (دانائی‌فرد، ۱۳۹۵a، ص ۴۵-۶۰).

کلیات ۳

موضوع عقلانیت در مدیریت دولتی موضوعی فرارزشی است (تنبزل،^۱ ۲۰۰۲، ص ۳۰۱)؛ بدین معنی که در مورد اهمیت و مطلوبیت آن بحثی وجود ندارد؛ مطرح کردن موضوعاتی چون «تصمیم‌گیری عقلایی»^۲ توسط هربرت سایمون^۳ (۱۹۵۷)، «سازمان عقلایی»^۴ توسط وبر^۵ (۱۹۶۸)، «بازیگر عقلایی»^۶ توسط آستروم^۷ (۱۹۷۱)، «کنش عقلایی»^۸ توسط والدو^۹ (۱۹۵۵) و واژه‌هایی مشابه این دلیل بر این گفتار است. مفهوم عقلانیت آنچنان مورد پسند اندیشمندان و تحلیل‌گران قرار گرفته است که حتی آن را با مقدسات متداول میسحت همچون تمثال و شمایل توصیف می‌کنند (راتگازر،^{۱۰} ۱۹۹۹؛ ریان،^{۱۱} ۱۹۹۹). پژوهشگران دیگری نیز بر اهمیت این مفهوم در مدیریت دولت تأکید کرده‌اند (تنبزل، ۲۰۰۲؛ شرورز،^{۱۲} ۲۰۰۲)؛ اما باید گفت که منظور هریک از پژوهشگران از این واژه و تفسیر آنها از این مفهوم بسیار متفاوت است. همانقدر که عقلانیت اهمیت دارد، پر ابهام نیز است. (فاکس،^{۱۳} ۲۰۰۲؛ ونتریس،^{۱۴} ۲۰۰۲؛ اولمز^{۱۵} و دیگران، ۲۰۰۴).

اندیشمندان مختلف بنابر تفسیر و تعبیری که از مفهوم عقلانیت داشته‌اند، تقسیم‌بندی‌های مختلفی از عقلانیت را ارائه کرده‌اند؛ مثلاً ماکس وبر مبنایی برای تقسیم‌بندی عقلانیت فراهم آورده است که بسیاری از پژوهشگران آن را پذیرفته‌اند. وبر بین دو عقلانیت تفاوت قائل شده

-
1. Tenbensenl
 2. Rational choice
 3. Simon
 4. Rational organization
 5. Weber
 6. Rational actor
 7. Ostrom
 8. Rational action
 9. Waldo
 10. Rutgers
 11. Ryan
 12. Schreurs
 13. Fox
 14. Ventriss
 15. Olmez

است: هدف عقلایی (عقلانیت معطوف به هدف) و ارزش عقلایی (عقلانیت معطوف به ارزش) (کلبرگ،^۱ ۱۹۸۰).

پژوهشگران بسیاری بر این عقیده هستند که در نظریه و عمل مدیریت دولتی تفسیر ابزاری بر مفهوم عقلانیت غلبه داشته است؛ حتی منتقدین عقلانیت نیز بخش زیادی از نقد خود را به نقد عقلانیت ابزاری اختصاص دادند (شروزر، ۲۰۰۲، ص ۲۸۱)؛ اما همیشه انتقاداتی جدی بر عقلانیت ابزاری و از همه مهم‌تر بر غلبه عقلانیت ابزاری در این زمینه وجود داشته است که هریک سعی کرده‌اند الگوی کامل‌تری از عقلانیت را (همچون عقلانیت جوهری، عقلانیت غنی، عقلانیت ارزشی، عقلانیت ارتباطی، عقلانیت انتقادی و...) ارائه نمایند (دانایی‌فرد، ۱۳۹۵ب، ص ۳۹۶).

از طرفی عقلانیت‌هایی که در مکاتب مختلف مدیریت دولتی مطرح یا استفاده شده است مسبوق به مبانی فلسفی و پارادایمی خاصی بوده، تجلّی بخش آن مبانی در ادبیات آن مکتب مدیریت دولتی در قالب اصول موضوعه و رهنمودهای سازمانی، مدیریتی و خط‌مشی هستند؛ به‌طور مثال رویکرد عقلانیت ابزاری با نوعی جهان‌بینی مادی و خالی از هرگونه مفهوم ارزشی منطق وسیله-هدف یا استخدام بهترین ابزار برای رسیدن به هدف را تجویز می‌نماید. در مقابل، عقلانیت جوهری که در جهان‌بینی خود به ارزش‌ها توجه داشته، جایگاه ویژه‌ای برای آن قائل است بر روی ارزش‌گذاری هدف-به‌جای وسیله-تمرکز می‌نماید.

در این میان دین مبین اسلام که بخش عمده آن برگرفته از آیات قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم‌السلام) است با تأکید بر روی مفهوم عقل و عقل ورزی، تعبیری از این مفهوم ارائه می‌دهد که می‌توان از آن در مدیریت دولتی اسلامی بهره‌مند گردید. شناخت این مفهوم از دل آیات و روایات و مشخص نمودن سهم یاری‌هایی که می‌تواند برای مدیریت دولتی داشته باشد مأموریت پژوهش حاضر را شکل می‌دهد. بر این اساس می‌توان گفت مسئله اصلی این پژوهش، یافتن رویکرد اسلام (آیات و روایات معصومان (علیهم‌السلام)) به عقلانیت و دلالت‌های آن در مدیریت دولتی است. بنابراین جامعه پژوهشی این رساله آیات قرآن کریم و روایات معصومان (علیهم‌السلام) و قلمرو پژوهش حوزه دانشی مدیریت دولتی است. از این‌رو، سؤال اصلی که این

پژوهش در پی آن است عبارت است از اینکه: عقلانیت اسلامی چه دلالت‌هایی در مدیریت دولتی دارد؟ پاسخ به سؤال اصلی این پژوهش مستلزم پاسخ به دو سؤال فرعی است که عبارت‌اند از:

۱. منظور از عقلانیت در آموزه‌های اسلام چیست؟

۲. عقلانیت مذکور چه دلالت‌هایی در مدیریت دولتی دارد؟

نکته‌ای که لازم به ذکر است پاسخ به این سؤال احتمالی است که چرا مسئله این پژوهش به جای فهم دلالت عقلانیت اسلامی در مدیریت دولتی فهم ویژگی‌های مدیریت دولتی اسلامی از دل آیات و روایات نیست؟ یا به عبارت دیگر چرا به جای بحث از عقلانیت اسلامی در مدیریت دولتی مستقیماً بحث از مدیریت دولتی اسلامی نشد؟ توضیح مختصر آنکه، از سویی جامعه پژوهش برای استخراج ابعاد و مؤلفه‌های مدیریت دولتی در آموزه‌های اسلامی نسبت به عقلانیت محدودتر است^۱ و از سوی دیگر تلاش‌های بیشتری در زمینه مدیریت دولتی اسلامی نسبت به مبحث عقلانیت اسلامی در مدیریت دولتی انجام شده است که البته به دلیل آنکه دامنه روایات و اخبار مذکور تنها برخی مصادیق اداره دولت را در بر می‌گیرد و نسبت به سایر مصادیق متنوع و گسترده که عصر کنونی مبتلا به بوده، ساکت است. بدین منظور لازم است از سازوکار استنباط و استفهام از اصول و مبانی دین برای الگوسازی اداره دولت اسلامی کمک گرفته شود. از این‌رو، مسئله این پژوهش به جای ارائه الگوی مدیریت دولتی اسلامی، ارائه چهارچوبی مبنایی منطق بر عملکرد مدیریت دولتی اسلامی قرار گرفت که از این منطق – همان‌گونه که ذکر شد – در ادبیات مدیریت دولتی تعبیر به عقلانیت شده است. جامعه پژوهش راجع به عقل و عقل‌ورزی در آموزه‌های اسلامی نیز به قدری وسیع است که با تحلیل مضمون آن بتوان منطق کلی عقلانیت را استفهام نمود.

۱. به دلیل آنکه اهل بیت (علیهم‌السلام) به غیر از تاریخ محدود ۵ ساله حکومت امام علی (علیه‌السلام) در موضع اداره حکومت نبوده‌اند و تجربه حکومت داری انبیاء نیز تنها محدود به دوره حضرت سلیمان و حضرت یوسف (علیهم‌السلام) بوده است.

۱-۲. چرایی پژوهش

اهمیت این پژوهش از آن جهت است که از سویی دین مبین اسلام به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین طریق هدایت بشر، دارای مجموعه‌ای غنی از آموزه‌های فلسفی (هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و...)، اخلاقی و عملی بوده، تسری یافتن این آموزه‌ها در زندگی فردی و اجتماعی جهت نیل به سعادت دنیوی و اخروی ضروری است؛ از سوی دیگر عقلانیت اسلامی یکی از بارزترین تجلی‌گاه‌های این آموزه‌هاست؛ چرا که آیات و روایات اولاً به تعقل و عقل‌ورزی تأکید نموده و آن را یگانه راه سعادت بشر دانسته‌اند و ثانیاً در این راستا ویژگی‌های عقل و عقل‌ورزی و انسان عاقل را بیان کرده‌اند. از این‌رو، فهم منطق و چهارچوب عقلانیت اسلامی و تسری آن در مدیریت دولتی می‌تواند این دانش را نیز در تراز آموزه‌های اسلامی قرار دهد و در نتیجه مدیران، سازمان‌ها و خط‌مشی‌ها و به‌تبع آن جامعه را به سمت تحقق تمدن نوین اسلامی رهنمون سازد.

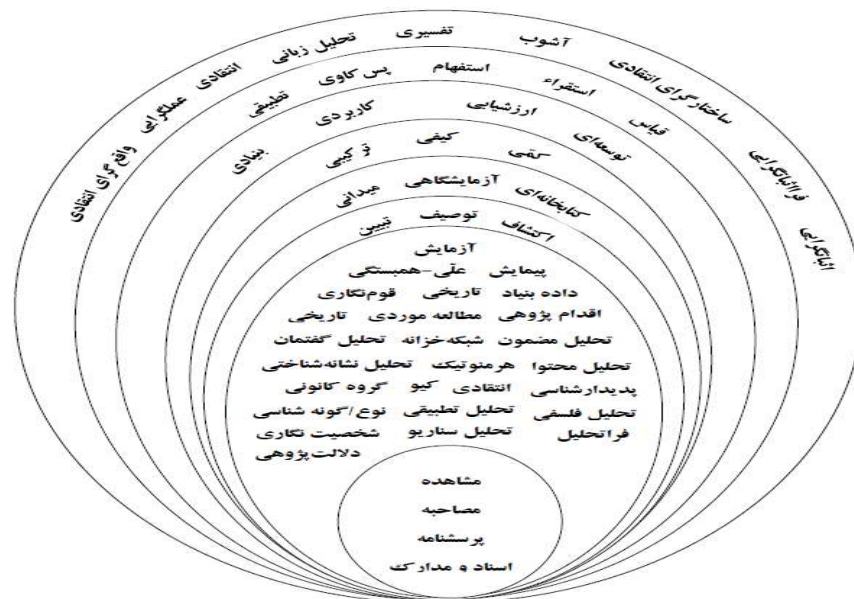
ضرورت این پژوهش نیز از آن جهت است که اگر منطق و چهارچوب عقلانیت اسلامی استفهام نگردد، دانش مدیریت دولتی در تراز آموزه‌ها و مبانی رایج درجا خواهد زد؛ چرا که دانش مدیریت دولتی بی‌نیاز از عقلانیت نخواهد ماند و مجبور است از الگوهای عقلانیت موجود تبعیت نماید. حتی اگر مدیریت دولتی اسلامی نیز بخواهد شکل بگیرد نیازمند چهارچوب عقلانیت متناسب با آن است؛ چرا که همان‌گونه که ذکر شد، محدود آیات و روایاتی که دلالت مستقیم در زمینه اداره حکومت یا مدیریت دولتی دارند برای ساخت نظریه مدیریت دولتی اسلامی کفایت نمی‌کند و چهارچوب و منطقی نیاز است که بتوان آن را در ساخت نظریه و مدل‌های مدیریت دولتی اسلامی راهنما و شاخص قرار داد که این چهارچوب همان عقلانیت اسلامی است.

هدف این پژوهش، صرفاً جمع‌آوری مصادیق عقلانیت از آیات و روایات در کنار یکدیگر و پی‌گیری دلالت تک‌تک آن مصادیق در مدیریت دولتی نیست؛ بلکه فراتر از آن، فهم منطق و مفهوم کلی عقلانیت در آموزه‌های اسلام در قالب یک چهارچوب است. به عبارت دیگر، هدف اولیه و اصلی این پژوهش صورت‌بندی چهارچوب عقلانیت اسلامی براساس آیات و روایات است؛ به نحوی که دلالت‌ها و مصادیق فراتری را از آنچه در آیات و روایات ذکر شده است نیز در بر گیرد؛ بدین معنا که این پژوهش سعی می‌کند عصاره و روح کلی عقلانیت اسلامی را چنان استفهام و صورت‌بندی نماید که در مقام دلالت‌یابی گویی از معصوم استنطاق می‌گردد که حکم

فلان موضوع یا پاسخ فلان مسئله مدیریت دولتی از منظر عقلانیت اسلامی چیست. از این رو، می‌توان گفت که چهارچوب عقلانیت اسلامی از سویی یک شاخص و تراز برای قضاوت راجع به نظریات مدیریت دولتی و یا مدل عملکرد دولت‌ها و مدیران دولتی است و از سوی دیگر یک قطب‌نما برای نظریه‌پردازی‌ها و الگوسازی‌ها در راستای شکل‌گیری مدیریت دولتی اسلامی است. به همین جهت اخیر، در این پژوهش سعی شده است تا در حد بضاعت نگارنده، سهم‌یاری‌ها و دلالت‌هایی نیز از چهارچوب عقلانیت برای مدیریت دولتی نیز ارائه شود.

۳-۱. چگونگی پژوهش

برای معرفی چگونگی انجام این پژوهش ابتدا لازم است ساختار ماهوی این پژوهش که براساس مدل پیاز پژوهش مشخص گردیده، تبیین گردد و سپس به معرفی فرایند عملیاتی راهبرد پژوهش پرداخته شود.



نمودار ۱-۱. پیاز پژوهش (ساندرز، ۲۰۰۹)

لایه اول پیاز پژوهش نشان‌دهنده جهان‌بینی و نوع نگاه پژوهشگر به جهان است. هر پژوهش به یک شالوده یا بنیاد برای مطالعه نیاز دارد و پژوهشگران باید از جهان‌بینی‌هایی که به صورت ضمنی در مطالعه خود استفاده می‌کنند آگاه باشند. براساس این لایه و با توجه به رویکردهای متنوع فلسفی اعم از اثبات‌گرایی، تفسیری، انتقادی و ...، نوع نگاه پژوهشگر اثبات‌گرا به پدیده یا شیء مورد مطالعه، متفاوت از نوع نگاه پژوهشگر واقع‌گرا، تفسیری و عمل‌گرا و ... خواهد بود؛ البته هر پژوهشی ممکن است به اقتضای ترکیبی بودنش، بر یک یا تعدادی از فلسفه‌های پژوهشی استوار باشد. بر این اساس، می‌توان گفت فلسفه روش این پژوهش، ذیل پارادایم تفسیری جای دارد؛ چرا که طی آن سعی شده است که مضامین کلیدی عقلانیت از آیات قرآن کریم و روایات معصومان (علیهم‌السلام) شناسایی و تحلیل و تفسیر گردد.

لایه دوم به رویکرد پژوهش اشاره دارد. در لایه دوم بسته به نوع جهان‌بینی فلسفی که پژوهشگر اتخاذ نموده است، وی می‌تواند برای مطالعه پدیده مورد نظر از پنج رویکرد قیاسی، استقرایی، پس‌کاوی، استقهامی یا تطبیقی استفاده نماید. در رویکرد قیاسی، فکر از طریق معلومات کلی، مجهولات جزئی را کشف می‌کند، بدین معنا که حکم یک موضوع کلی به تک تک مصادیق جزئی آن تسری داده می‌شود؛^۱ در این استدلال چنانچه مقدمه‌ها که مشتمل بر احکام کلی‌اند درست باشند، نتیجه‌ها هم الزاماً درست خواهند بود. این رویکرد، به پژوهشگر کمک می‌کند تا با استفاده از نظریه‌های موجود، پدیده‌هایی را که به وقوع می‌پیوندد پیش‌بینی کند. در نقطه مقابل، رویکرد استقرایی به معنای رسیدن ذهن از حکم موضوعات جزئی مشابه به حکم برای موضوع کلی است. در این رویکرد فکر با استفاده از معلومات جزئی، حکم کلی را تخمین می‌زند.^۲ در رویکرد پس‌کاوی ذهن با بررسی پدیده‌ها و اطلاع از اصول و قواعد کلی به علل پدید آمدن آن پدیده پی می‌برد؛ مانند کاری که یک پزشک در تشخیص بیماری یک فرد بیمار انجام می‌دهد. اما رویکرد استقهام، به فرایند اکتشاف یا استنباط یک چهارچوب، الگو، نظریه، مدل یا مفهوم جدید از مجموعه‌ای از داده‌های نامشابه و متفاوت است؛ مانند هدفی که

۱. مثال: انسان عاقل است. علی انسان است. در نتیجه علی عاقل است.

۲. مثال: کلاغ اول سیاه است. کلاغ دوم سیاه است. کلاغ سوم سیاه است. کلاغ ۱۱۰۰۰ام سیاه است. کلاغ nام سیاه است. در نتیجه کلاغ (با احتمال قوی) سیاه است. البته اگر استقراء تام باشد حکم کلی نیز یقینی خواهد بود.

نظریه داده‌بنیاد در پی آن است. بنابراین، تفاوت رویکرد استفهام با استقراء این است که رویکرد استقراء به معنای تعمیم دادن حکم مصداق جزئی به مفهوم کلی است؛ ولی رویکرد استفهام به معنای چیدمان مفاهیم خرد و ساختن چهارچوب یا مفهوم کلان است؛ یا به عبارت دیگر معماری یک ساخت مفهومی با استفاده از مفاهیم خرد و غیرمشابه است.^۱ نهایتاً رویکرد تطبیقی به دنبال مقایسه مفاهیم، نظریه‌ها و پدیده‌هاست که طی آن، اشتراکات و اختلافات آنها را تبیین نماید (محمدرپور، ۱۳۹۷، ص ۱۲۷). در این پژوهش از رویکرد استفهامی استفاده گردیده است؛ یعنی سعی شده است تا اولاً منطق و نگرش آیات و روایات به عقلانیت استفهام گردد و پس از آن دلالت‌ها و بازتاب‌هایی که این عقلانیت در مدیریت دولتی دارد استفهام شود. لایه سوم به جهت‌گیری پژوهش اشاره دارد. پژوهش‌های بنیادی با هدف ایجاد یا کشف یک الگوی جدید انجام می‌گیرند. پژوهش‌های کاربردی با هدف به کارگیری مدل‌ها و الگوهای موجود در یک موضوع خاص برای حل مسائل مربوطه انجام می‌شوند. پژوهش‌های توسعه‌ای ناظر به ایجاد یک الگوی جدید برای حل یک مسئله هستند که عموماً در واحدهای تحقیق و توسعه سازمان‌ها انجام می‌گیرد. نهایتاً پژوهش‌های ارزشیابی با هدف تحلیل و بررسی و آسیب‌شناسی مدل‌ها و الگوهای موجود انجام می‌شوند. بنابراین، می‌توان گفت که پژوهش حاضر به لحاظ هدف بنیادین است؛ چرا که به کشف چهارچوب مفهومی عقلانیت از دل آیات و روایات و نیز کشف دلالت‌های آن در مدیریت دولتی پرداخته است.

لایه چهارم به صبغه پژوهش اشاره دارد. پژوهش‌های کمی رنگ و بوی آمار و ارقام و تحلیل‌های آماری و عددی دارند که هریک به نوعی به دنبال سنجش و اندازه‌گیری پدیده‌هاست و به توصیف و تحلیل کمی پدیده می‌پردازد. پژوهش‌های کیفی به دنبال فهم و درک و کشف پدیده و معانی مرتبط با آن هستند. پژوهش‌های ترکیبی نیز از هر دو جنبه به مطالعه پدیده

۱. در قالب مثال، تفاوت دو رویکرد استقراء و استفهام را چنین می‌توان گفت: استقراء همچون چسباندن تکه‌های خرد آینه به یکدیگر و تشکیل یک آینه بزرگتر است که در این صورت آینه بزرگتر هیچ تفاوتی با آینه‌های خرد ندارد، مگر در اندازه و ابعاد. ولی رویکرد استفهام همانند ساختن یک جورچین یا پازل است که هر تکه با تکه‌های دیگر و با کل پازل تفاوت قالبی و محتوایی دارد؛ ولی در اثر چیدمان معنادار و نظام‌مند این اجزاء در کنار یکدیگر یک تصویر جدید و به کلی متفاوت با قالب و محتوای تک تک اجزاء پدید می‌آید.

می‌پردازند. صبغه این پژوهش، کیفی است؛ زیرا در پی فهم نگاه آیات و روایات به عقلانیت و دلالت‌های این نگاه در مدیریت دولتی است.

لایه پنجم به نوع پژوهش اشاره دارد. پژوهش‌های کتابخانه‌ای با اسناد و مدارک مکتوب اعم از کتاب و مقاله سروکار داشته، داده‌های خود را از مکتوبات دریافت می‌کنند؛ اما پژوهش‌های میدانی به مطالعه پدیده در فضای جامعه می‌پردازند و داده‌ها و اطلاعات را از ذهن ذینفعان و ذی‌نقشان مرتبط با پدیده یا از مشاهده مستقیم پدیده دریافت می‌کنند. در نهایت، پژوهش‌های آزمایشگاهی، محصور در محیط آزمایشگاه بوده، داده‌های خود را از مشاهده مستقیم پدیده در فضای آزمایشگاه (که متغیرها تحت کنترل هستند) به دست می‌آورد. بر این اساس، پژوهش حاضر از نوع کتابخانه‌ای است؛ چراکه داده‌های خود را از اسناد و مدارک جمع‌آوری و تحلیل نموده است.

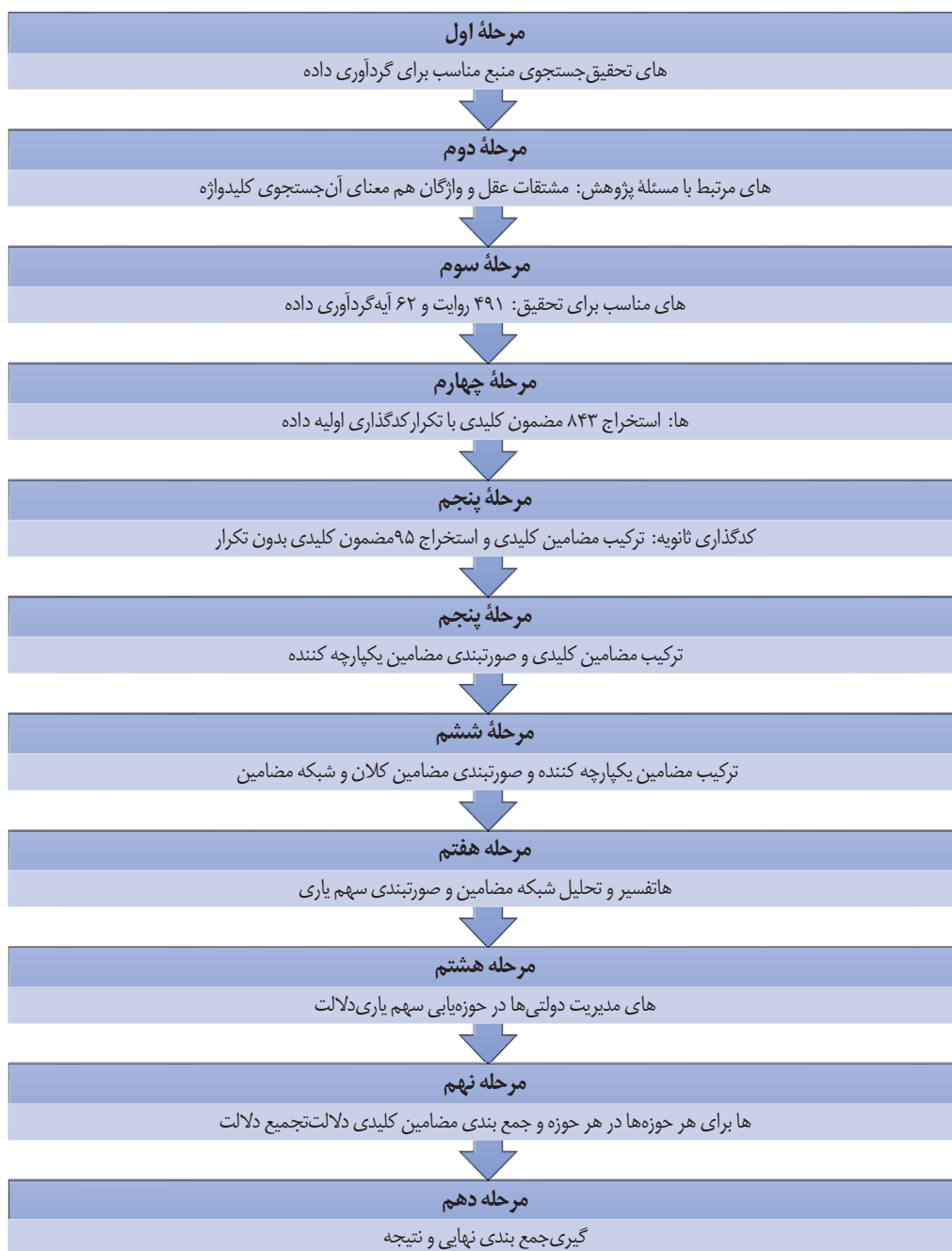
لایه ششم به هدف پژوهش اشاره دارد. پژوهش‌های اکتشافی به دنبال کشف یک پدیده، مفهوم یا الگوی نظری جدید هستند. پژوهش‌های توصیفی به دنبال توصیف ابعاد و مؤلفه‌های یک پدیده، مفهوم یا اجزای نظریه کشف شده هستند و پژوهش‌های تبیینی یا به دنبال نوع ارتباطات اجزای پدیده با یکدیگر و در نهایت، پیش‌بینی و کنترل پذیر نمودن آن پدیده یا به دنبال تبیین تقدم و تأخر ابعاد و مؤلفه‌های یک نظریه نسبت به یکدیگر هستند. هدف این پژوهش، کشف چهارچوب مفهومی عقلانیت اسلامی از دل آیات و روایات و دلالت‌های آن در مدیریت دولتی است.

لایه هفتم به استراتژی پژوهش اشاره دارد. در لایه هفتم نیز پژوهشگر براساس انتخابی که در هر یک از لایه‌های بالاتر داشته، می‌تواند استراتژی‌های متفاوتی را به کار برد: استراتژی یا طرح تجربی، استراتژی پیمایشی، استراتژی مطالعه موردی، استراتژی اقدام پژوهشی، استراتژی نظریه داده بنیاد، استراتژی قوم‌نگاری و استراتژی مطالعات آرشیوی یا تاریخی. همچنین لازم به ذکر است که برخی از استراتژی‌های ذکر شده در حوزه مطالعات، کمی است و برخی در حوزه مطالعات کیفی قرار دارد. استراتژی‌های پژوهش منابع داده، شیوه گردآوری داده از منابع و شیوه تحلیل داده‌ها را راهبری می‌نماید. استراتژی این پژوهش در مرحله جمع‌آوری و دسته‌بندی آیات و روایات در مورد عقلانیت، تحلیل مضمون است و در مرحله تسری آن به حوزه مدیریت دولتی دلالت‌پژوهی است.

لایه هشتم به شیوه گردآوری داده‌های پژوهش اشاره دارد. در شیوه پرسشنامه با استفاده از طیف‌های مختلف از جمله لیکرت، بوگاردوی، ترستون و... جملات و سؤالات محقق تبدیل به اعدادی می‌شوند که پاسخگویان با انتخاب گزینه مورد نظر در واقع عددی را به محقق ارائه می‌کنند و محقق از طریق این اعداد به نتیجه گیری می‌پردازد. در روش مصاحبه، داده‌ها نه به صورت اعداد بلکه به شکل جملات از طریق گفتگو با افراد جمع‌آوری می‌گردد. در روش مشاهده، نشانه‌ها و علائم، رنگ‌ها، حرکات چهره و رفتار افراد جمع‌آوری می‌شوند. این داده‌ها کمتر قابلیت تبدیل شدن به عدد را دارند، به همین علت به همان شکل که گردآوری شده‌اند، تجزیه و تحلیل می‌شوند. در روش اسناد و مدارک نیز داده‌ها با مطالعه متون اسناد و مدارک در قالب جملات و کلیدواژه‌ها جمع‌آوری می‌گردد. داده‌های این پژوهش به دو روش اسناد و مدارک جمع‌آوری شده است.

همان‌گونه که در ساختار پژوهش مشخص شد، این پژوهش، پژوهشی ترکیبی (کیفی-کیفی) است که در مرحله اول آن از راهبرد تحلیل مضمون برای صورت‌بندی مفهوم عقلانیت اسلامی از دل آیات و روایات و در مرحله دوم آن از راهبرد دلالت پژوهی برای تسری مفهوم عقلانیت اسلامی در حوزه مدیریت دولتی استفاده گردیده است. فرایند انجام پژوهش در نمودار ۱-۲ ارائه شده است.

۱۲ درآمدی بر عقلانیت اسلامی و دلالت‌های آن در مدیریت دولتی (با تأکید بر آیات و روایات)



نمودار ۱-۲. فرایند اجرایی روش پژوهش

۱. گردآوری داده‌ها

همان‌گونه که اشاره شد، داده‌های این پژوهش از اسناد و مدارک کتابخانه‌ای (الکترونیکی) گردآوری گردیده است. در این راستا با مراجعه به نسخه الکترونیکی کتاب میزان الحکمه در سایت مدرسه فقاہت به آدرس <http://lib.eshia.ir> و جستجوی ریشه عقل و مشتقات آن و واژه‌هایی که هم ردیف و هم معنای عقل هستند همچون: لب، حجر، نهیه، ذکی و ... و نیز واژه‌هایی که معنای متضاد با عقل داشتند همچون: جهل و حمق، احادیثی که مشتمل بر واژه‌های مذکور بودند شناسایی و پس از بررسی اولیه، ۴۹۱ روایت برای مضمون یابی انتخاب شدند. همچنین با جستجوی واژه‌های مذکور در قرآن کریم نیز ۶۲ آیه شناسایی و انتخاب گردید.

۲. تحلیل داده‌ها

تحلیل آیات و روایات یافت شده برای پاسخ به سؤال این تحقیق با روش تحلیل مضمون صورت گرفته است. تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است ... واژه مضمون یا تم، مبین اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و سؤالات تحقیق است و تا حدی معنی و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد. مضمون، الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود و حداقل به توصیف و سازماندهی مشاهدات و حداکثر به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد. به‌طورکلی، مضمون، ویژگی تکراری و متمایزی در متن است که به نظر پژوهشگر، نشان‌دهنده تجربه خاصی در رابطه با سؤالات تحقیق است (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۵۹).

در راستای پیاده‌سازی روش تحلیل مضمون برای دستیابی به چهارچوب مفهومی عقلانیت اسلامی، ابتدا با مطالعه و بررسی اولیه آیات و روایات، ۸۳۴ کد مضمون کلیدی با تکرار شناسایی شد که با پالایش ثانویه آنها در قالب ۹۵ کد مضمون کلیدی بدون تکرار دسته‌بندی گردید. سپس با تحلیل و دسته‌بندی مضامین کلیدی، به نظر نگارنده چنین رسید که برخی مضامین مذکور ناظر به زمینه‌های شکل‌گیری عقلانیت هستند و برخی دیگر پیامدهای ناشی از عقلانیت را نشان می‌دهند؛ اما مضامینی که ناظر به چیستی عقلانیت بودند نیز برخی ناظر به ساحت اندیشه و نگرش، برخی ناظر به گرایش‌ها و صفات و انگیزه‌ها و برخی دیگر ناظر به

کنش‌ها و رفتارهای عاقلانه قلمداد گردیدند. از این‌رو، مضامین یافت شده ذیل پنج دسته مضمون کلان گردید که مشتمل بر زمینه‌های شکل‌گیری عقلانیت اسلامی، ساحت‌های سه‌گانه عقلانیت اسلامی شامل: ۱. نگرش، بینش، و اندیشه؛ ۲. گرایش‌های امیال، صفات و انگیزه‌ها و ۳. کنش‌ها، رفتارها و اعمال^۱ و نهایتاً پیامدهای به کارگیری عقلانیت اسلامی می‌شود. پس از آن با بررسی دقیق‌تر مضامین راجع به ساحت‌های سه‌گانه عقلانیت، چنین به نظر رسید که در هر ساحت، برخی مضامین مربوطه شرایط لازم و حداقل‌های مربوط به آن ساحت را بیان می‌کنند (مانند قدرت تشخیص و تمیز در ساحت اندیشه) و برخی دیگر به شرایط ایدئال و غایی آن ساحت اشاره دارند (مانند توحیدگرایی در ساحت اندیشه).

خروجی تحلیل مضمون انجام شده شبکه مضامین و ۲۵ گزاره حاصل از تحلیل شبکه مضامین بود که به‌عنوان ورودی‌های مرحله دوم پژوهش یعنی پیاده‌سازی روش دلالت‌پژوهی استفاده شدند که در ادامه به معرفی این روش و چگونگی به‌کارگیری آن در این پژوهش پرداخته می‌شود.

دلالت‌پژوهی یک راهبرد پژوهشی برای اقتباس و به‌عاریه گرفتن دانش یک رشته برای تدقیق، بهبود یا بسط دانش دیگر است. مآخذ این بهره‌گیری‌ها می‌تواند آثار مکتوب و شفاهی اندیشمندان هر رشته علمی باشد. آنچه استفاده می‌شود می‌تواند مکاتب، فلسفه‌ها، پارادایم‌ها، نظریه‌ها، مدل، فنون و ایده‌های پراکنده باشد. اگرچه برخی رشته‌ها تغذیه‌کننده اصلی رشته‌های دیگرند، ولی رشته‌های هم‌ارز نیز می‌توانند از یکدیگر بیاموزند. ارزشمندی هر اثر علمی به عنصر فلسفی نهفته در آن است که پتانسیل و قابلیت قبض و بسط آن اثر را داراست (دانایی‌فرد، ۱۳۹۵ع، ص ۴۵).

با این توصیف همه رشته‌ها به‌نحوه‌ای از انحاء مفاهیم و نظریه‌هایی را از رشته‌های دیگر استقراض می‌کنند که این استقراض می‌تواند عمودی یا افقی باشد. استقراض عمودی همانند استقراض یک رشته از فلسفه‌های علوم اجتماعی همچون اثبات‌گرایی، تفسیری، پست‌مدرن و ... استقراض افقی نیز همانند استقراض یک رشته علمی از رشته‌ای دیگر مانند استقراض علم سازمان از نهضت‌های دانش جامعه‌شناسی یا اقتصاد است.

۱. در رویکرد فلسفی تفسیری، رفتار و کنش‌ها به خودی خود جایگاهی ندارند؛ بلکه ذیل معانی و نیات، معنا و تعریف می‌شوند. بنابراین، برخلاف رویکرد فلسفی اثبات‌گرایی، رفتار به تنهایی بی معنا است و در ذیل نیات و قصدها معنا می‌یابد.

اگرچه تدقیق مراحل انجام در روش‌شناسی پژوهش اهمیت دارد؛ یعنی پژوهش باید مرحله به مرحله انجام شود، ولی واقعیت این است که این فرایند به صورت خطی غیر قابل برگشت انجام نمی‌شود؛ بلکه بین گام‌ها رفت و آمدهای متعددی شکل می‌گیرد تا نتیجه حاصل معتبر و قابل اتکاتر شود. روش‌شناسی دلالت‌پژوهی نیز گام‌هایی را طی می‌کند؛ ولی این گام‌ها خطی کامل نیستند؛ بلکه مدام بین مراحل بده و بستان صورت می‌گیرد. این روش دارای یازده مرحله است که ذیلاً تشریح می‌شوند:

۱. تعیین مناسب بودن پژوهش دلالت‌پژوهی

روش‌شناسی دلالت‌پژوهی مناسب انجام پژوهش‌هایی است که در آنها از سهم‌یاری‌های یک رشته، یک مکتب، یک فلسفه، یک نحله مطالعاتی، یک چهارچوب، یک نظریه، یک مدل، یا یک ایده عام و بعضاً خاص رهنمودهای اولیه‌ای برای رشته یا حوزه مطالعاتی یا موضوع مطالعاتی استفاده می‌شود. بنابراین، این روش‌شناسی در پی انجام پژوهش تجربی نیست؛ چون هدف آن دلالت‌پژوهی است. ازاین‌رو، می‌توان گفت که روش‌شناسی دلالت‌پژوهی برای این پژوهش متناسب است؛ چرا که هدف آن عاریه گرفتن چهارچوب مفهومی عقلانیت اسلامی برای بهره‌برداری در مدیریت دولتی است.

۲. تعیین مأخذ احصا دلالت‌ها برای پرداختن به مسئله پژوهشی

در روش‌شناسی دلالت‌پژوهی معمولاً یک مأخذ صادرکننده ایده و یک مأخذ واردکننده ایده وجود دارد که در این پژوهش، مأخذ صادرکننده ایده چهارچوب مفهومی عقلانیت اسلامی برگرفته از تحلیل مضمون آیات قرآن کریم و روایات معصومان (علیهم‌السلام) بوده و مأخذ واردکننده ایده دانش مدیریت دولتی است.

۳. تعیین فرایندی برای واکاوی ابژه منتخب

چون نیت پژوهش دلالت‌پژوهی ترسیم دلالت‌های ایده‌های کلیدی یک فلسفه، چهارچوب، نظریه یا مدل برای رشته متقاضی است، شناسایی و تعیین یک فرایند موقتی اولیه در مطالعه دلالت‌پژوهی ضروری است. ممکن است فرایند در حین مطالعه تغییر کند، ولی به تصویری

۱۶ درآمدی بر عقلانیت اسلامی و دلالت‌های آن در مدیریت دولتی (با تأکید بر آیات و روایات)

فرایندی از مراحل پژوهش نیاز است. این فرایند می‌بایست به طور طبیعی از مسئله پژوهش و سؤال‌هایی شروع شود که پژوهش در پی پاسخ به آن است تا دلالت‌های اعتبارسنجی شده مشخص شده باشد.

مسئله پژوهشی ایجاب می‌کند که نوعی از مطالعه ایده‌های کلیدی از ابژه منتخب به شیوه دلالت‌پژوهی انجام شود که خود فرایندی را طی می‌کند مشتمل بر: یافتن ایده‌های کلیدی، اعتبارسنجی ایده‌های کلیدی، تعیین دلالت‌های مناسب و اعتبارسنجی دلالت‌ها.

۴. تعیین چهارچوب مفهومی موضوع دلالت‌پژوهی

نخستین سؤالی که برای پژوهشگر دلالت‌یاب مطرح می‌شود آن است که دلالت‌های ایده‌های کلیدی بر چه موضوعاتی است. درچنین صورتی پنج رویکرد برای پژوهشگر متصور است که عبارت‌اند از:

الف) رویکرد نظام‌مند

در این رویکرد، پژوهشگر در ابتدا چهارچوبی مفهومی را به تفصیل طراحی می‌کند که به دنبال دلالت‌هایی از رشته، فلسفه، چهارچوب، نظریه، مدل یا ایده‌های طرح شده در مجامع علمی است و سپس در مآخذ استقراض دلالت‌ها به دنبال یافتن دلالت‌هایی برای تک‌تک عناصر تشکیل‌دهنده آن چهارچوب مفهومی می‌گردد؛ برای مثال، برای احصای دلالت‌های علم پیچیدگی برای خط‌مشی‌گذاری عمومی، چرخه خط‌مشی‌گذاری را مبنای دلالت پژوهی خود از علم پیچیدگی قرار می‌دهد که مشتمل است بر: ۱. تعیین و تعریف مسئله؛ ۲. دستورکارگذاری؛ ۳. فرموله‌کردن مسئله؛ ۴. اجرای خط‌مشی؛ ۵. ارزشیابی خط‌مشی؛ ۶. تغییر خط‌مشی؛ ۷. خاتمه خط‌مشی. در این حالت بین سهم‌یاری‌ها (نکات کلیدی علم پیچیدگی)، دلالت‌های هر سهم‌یاری برای تک‌تک عناصر چرخه خط‌مشی نوعی تناظر برقرار می‌شود.

ب) رویکرد برایشی

در این رویکرد، پژوهشگر یک سؤال کلی را مطرح می‌کند تا مشخص شود که مآخذ دلالت‌پژوهی چه دلالت‌هایی برای رشته یا حوزه مطالعاتی وی دارد؛ برای مثال، رئالیسم

انتقادی چه رهنمودهایی یا دلالت‌هایی برای خط‌مشی‌گذاری عمومی دارد؟ بعد از مطالعه مشخص می‌شود که رئالیسم انتقادی برای فرایند خط‌مشی‌گذاری، تحلیل خط‌مشی‌های عمومی و ارزشیابی خط‌مشی‌های عمومی دلالت‌هایی دارد، ولی این دلالت‌ها و موضوع دلالت‌ها به صورت ناگهانی و ظهوری (برایشی) شکل می‌گیرند و چهارچوب مفهومی اولیه‌ای از موضوع‌های دلالت‌ها مشخص نشده است.

ج) رویکرد لنز نظری

در این رویکرد، پژوهشگر نوعی نگاه نظری به موضوع مطالعاتی منتخب خود دارد و در پرتو آن دلالت‌های احصایی را در جدول مندلیف نظری خود قرار می‌دهد.

د) رویکرد تلفیقی

در این رویکرد، پژوهشگر ممکن است مجهز به نوعی لنز نظری و یک چهارچوب مفهومی باشد، ولی اجازه دهد سهم‌یاری‌ها و دلالت‌ها به صورت برایشی ظهور کنند؛ خواه با لنز نظری و چهارچوب مفهومی وی مطابقت داشته باشند خواه نداشته باشند. ممکن است برخی از سؤال‌ها پاسخ داده نشود یا سؤال‌های جدیدی اضافه شود.

ه) رویکرد تقدم شناسایی سهم‌یاری‌ها و ایده‌ها بر چهارچوب مفهومی

ممکن است پژوهشگر پس از شناسایی ایده‌های کلیدی و اطمینان از ظرفیت‌ها آنها مقصد دلالت‌ها را مشخص کند. در این حالت چهارچوب مفهومی از پیش تعیین شده وجود ندارد، ولی در مرحله بعد از شناسایی ایده‌های کلیدی ممکن است ظهور کند؛ در عین حال جامعیت چهارچوب مفهومی بستگی به غنی بودن کمی و کیفی ایده‌های کلیدی احصایی دارد. با توجه به تقسیم‌بندی پیش گفته می‌توان گفت چهارچوب مفهومی موضوع دلالت‌پژوهی این تحقیق مبتنی بر رویکرد تلفیقی است؛ چرا که از طرفی ابتدا چهارچوب مفهومی عقلانیت اسلامی مبتنی بر آیات و روایات شکل گرفته است و سپس به دلالت‌یابی آنها در حوزه‌های موضوعی دانش مدیریت دولتی پرداخته می‌شود و از طرفی دیگر دلالت‌ها به صورت برایشی ظهور نموده‌اند.

۵. نمونه‌گیری نظری ابژه دلالت‌پژوهی

یکی از مختصات پژوهش دلالت‌پژوهی این است که پژوهشگر بیش از یک‌بار به گردآوری داده‌ها می‌پردازد؛ زیرا مرتباً برای گردآوری اطلاعات بیشتر و غنی‌تر به مآخذ داده‌های خود برمی‌گردد. بنابراین، موعد زمانی دقیقی برای این فرایند وجود ندارد و پژوهشگران تا وقتی دلالت‌های خود را به‌طور کامل و جامع احصا نکنند به گردآوری داده‌ها ادامه می‌دهند. از این‌رو، نمونه‌گیری متن‌های مورد استفاده صیغه نظری دارد. در این پژوهش، نمونه‌های انتخاب شده همان آیات و روایات معصومان هستند که با روش تحلیل مضمون، تحلیل گردیده‌اند و شبکه مضامین و گزاره‌های حاصل از تفسیر آن شبکه را شکل داده‌اند.

۶. احصای سهم‌یاری‌های ابژه دلالت‌پژوهی

سؤال کلیدی مهم در پژوهش‌های دلالت‌پژوهی آن است که این رشته، این فلسفه، این چهارچوب، این نظریه، این مدل، یا این ایده قدیمی یا جدید «چه حرفی برای حوزه مطالعاتی ما یا موضوعی خاص درون حوزه مطالعاتی ما دارد»؟ برای مثال، یک پژوهشگر سازمانی ممکن است این سؤال را مطرح کند که نگاه پست‌مدرن چه رهنمودها یا دلالت‌هایی برای حوزه مطالعات سازمانی دارد؟ پژوهشگر سازمانی باید نگاه پست‌مدرن را به‌خوبی بداند تا بتواند از آن نگاه، ایده‌های دلالتی را احصا کند.

از سوی دیگر، وظیفه کسانی که برای نخستین بار قصد دارند سهم‌یاری‌ها را در متون ناب و خالص احصا کنند نسبت به سایر پژوهشگرانی که به متون فراوری شده مراجعه می‌کنند بسیار دشوارتر است. کسی که می‌خواهد سهم‌یاری قرآن و روایات را مشخص کند با کارویژه بسیار دشواری مواجه است. قرآن در مورد پدیده‌های بسیار متنوعی سخن گفته است و روایات نیز خود محورهای بسیار متنوع و در عین حال پیچیده‌ای را ذکر کرده‌اند، ولی قرآن‌شناسان و عالمان حدیث توانایی احصای سهم‌یاری این دو مأخذ را در چندین جلد دارند که یکی کلام خدا و دیگری کلام معصوم است. در واقع وظیفه اصلی عالمان برگیری دانش‌های نهفته از این مأخذ غنی است تا سایرین بتوانند از قبل تلاش‌های آنها، رشته‌های مضاف را از دلالت‌های سهم‌یاری‌های مورد اشاره آنها تجهیز کنند و بدین طریق به رشد دانش بشری کمک کنند. نکته آخر اینکه سهم‌یاری‌های احصایی ممکن است در قالب گزاره‌ها یا عباراتی ارائه شود. پژوهشگر

باید تعریف مآخذ اصلی یا فرعی از آن سهم‌یاری‌ها را در قالب یک یا چند پاراگراف عرضه کند تا بتواند در پرتو آن دلالت‌های مدنظر خود را احصا کند.

سهم‌یاری‌های استفاده شده در این پژوهش، همان گزاره‌های برآمده از تفسیر شبکه مضامین حاصل از تحلیل آیات و روایات راجع به عقل است که در دانش مدیریت دلالت‌یابی می‌شود.

۷. اعتبارسنجی سهم‌یاری‌های ابژه دلالت‌پژوهی

برای کسانی که دانشمند یک حوزه تخصصی هستند و در آن حوزه آثاری عرضه کرده‌اند، اعتبارسهم‌یاری‌های آنها به اعتبار علمی آن دانشمند است و در گذر زمان جامعه علمی در مورد سهم‌یاری وی اظهار نظر می‌کند. بی‌تردید تعداد استنادهایی که به سهم‌یاری مورد اشاره آن دانشمند در آثار مختلف شده است مؤید اعتبار آن سهم‌یاری است. سهم‌یاری‌های وی صبغه اجتهادی آن دانشمند را دارد و اعتبار پایه‌ای آنها به استدلال‌های عقبه آن سهم‌یاری متکی است. کسی که به استنادات قرآنی و روایی، سهم‌یاری‌ها و نکات کلیدی یک سوره از قرآن را احصا و به صورت موضوعی آن را ترسیم می‌کند، اعتبار آن سهم‌یاری‌ها به استنادات عقبه هر سهم‌یاری بستگی دارد. اما پژوهشگر مبتدی یا پژوهشگری که دوست دارد رویه نظام‌مندی را برای انتخاب سهم‌یاری‌ها انتخاب کند، ممکن است مسیر دیگری را دنبال کند. بر این اساس، پژوهشگر ممکن است:

۱. آثار دست‌اول را مطالعه و میزان فراوانی استعمال «محور یا موضوع» را معیار اعتبار یک سهم‌یاری بدانند و با توجه به حجم کار دست به انتخاب بزنند؛

۲. آثار دست‌دوم را مطالعه کند و تعدد استنادات به هر سهم‌یاری را معیار اعتبار آن سهم‌یاری بدانند و با توجه به حجم کار دست به انتخاب بزنند؛

۳. با مطالعه آثار دست‌اول فهرستی از سهم‌یاری‌ها احصا و با اتکا به نظر خبرگان آثار دست‌اول، اعتبار آنها را تعیین کند؛

۴. در برخی از موارد ایده‌ها یا نکات کلیدی رشته یا مآخذ قرض‌دهنده در جامعه علمی همواره تکرار و در مورد آن بحث شده است که تردیدی درباره آنها وجود ندارد. در این قبیل موارد اعتبار سهم‌یاری‌ها به میزان شیوع آنها در جامعه علمی بستگی دارد و در صورت پذیرش هیئت داور پژوهش، اعتبار آنها کفایت می‌کند.

از آنجاکه سهم‌یاری‌های مورد استفاده در این دلالت‌پژوهی، حاصل کاربست روش تحلیل مضمون برای تحلیل آیات و روایات است می‌توان گفت تضمین اعتبار سهم‌یاری‌های این پژوهش مبتنی بر اجرای صحیح و دقیق روش تحلیل مضمون و تأیید خبرگان و جامعه علمی خواهد بود.

۸. متناسب‌سازی سهم‌یاری‌ها با چهارچوب مفهومی موضوع دلالت‌پژوهی

پس از آنکه سهم‌یاری‌های مأخذ مورد استقراض مشخص شد، در صورتی که پژوهشگر از مأخذ دریافت‌کننده استقراض چهارچوبی مفهومی تعیین کرده است، باید نوعی انطباق بین آن دو صورت گیرد. برای مثال، پژوهشگری سهم‌یاری‌های علم پیچیدگی را به شرح ذیل مشخص کرده است: ۱. برایش؛ ۲. خودسازماندهی؛ ۳. لبه نظم در بی‌نظمی؛ ۴. تعامل متقابل؛ ۵. اصول مشترک و... و اکنون قصد دارد این سهم‌یاری‌ها را در مورد عناصر چهارچوب مفهومی خود (فرضاً چرخه خط‌مشی‌گذاری عمومی مشتمل بر درک مسئله، دستورکارگذاری، فرموله کردن خط‌مشی، اجرای خط‌مشی، ارزشیابی و تغییر خط‌مشی‌های عمومی) اعمال کند.

در این حالت رویکرد نظام‌مند متداول است و چهارچوب سهم‌یاری‌ها با چهارچوب مفهومی منطبق می‌شود. گاهی اوقات رویکرد برایشی در پیش گرفته می‌شود؛ در این حالت چهارچوب مفهومی از پیش تعیین شده‌ای وجود ندارد؛ پژوهشگر به داده‌ها اجازه می‌دهد به صورت برایشی دلالت‌های خود را نشان دهد؛ برای مثال، پژوهشگر از قبل برای دلالت‌پژوهی از علم پیچیدگی، چرخه خط‌مشی عمومی (درک مسئله، دستورکارگذاری، فرموله کردن، اجرا، ارزشیابی، تغییر و خاتمه) را به‌عنوان چهارچوب مفهومی انتخاب نمی‌کند؛ بلکه تلاش می‌کند با تأمل بر سهم‌یاری‌ها تعیین کند که برای چه جنبه‌هایی از خط‌مشی‌گذاری‌ها دلالت خواهد داشت. در این حالت کلیت فرایند خط‌مشی‌گذاری صرفاً چرخه خط‌مشی به‌عنوان تنها مدل نیست؛ خط‌مشی‌گذاری عمومی مدل‌ها و جوانب دیگری هم دارد.

در عین حال ممکن است یک چهارچوب مفهومی از قبل تعیین شده وجود داشته باشد، ولی دلالت‌های احصایی، کل عناصر چهارچوب مفهومی را تحت پوشش قرار ندهد که می‌توان گفت پژوهش حاضر چنین صیغه‌ای دارد؛ یعنی از سویی سهم‌یاری‌ها و چهارچوب مفهومی حوزه مدیریت دولتی مشخص گردیده است، ولی از سوی دیگر برای برخی سهم‌یاری‌ها در برخی از زیرحوزه‌های مدیریت دولتی دلالتی به ذهن پژوهشگر نرسیده است.

۹. احصاء دلالت‌های مورد نظر

در این مرحله پژوهشگر دلالت‌ها را تحریر می‌کند. احصای دلالت‌ها در دو حالت ممکن است انجام شود. دلالت‌هایی که نخستین بار پژوهشگر احصا می‌کند و دلالت‌هایی که ممکن است پژوهشگر آنها را قبض و بسط یا تدقیق کند. در حالت نخست ممکن است پژوهش دلالت پژوهی برای نخستین بار روی موضوعی خاص انجام شود. در این حالت همه دلالت‌های احصایی صبغه نوآوری دارد، ولی بعضاً ممکن است تعدادی از پژوهش‌های دلالت پژوهی در مورد موضوعی انجام شده باشد و پژوهشگر با گردآوری، تجمیع، اصلاح یا بازنگری، مجموعه‌ای از دلالت‌ها را احصا کند. ذکر چند نکته در مورد این مرحله ضروری است:

۱. احصای دلالت‌ها از مآخذ منتخب فعالیت خطی و محاسباتی دقیقی نیست؛
۲. احصای دلالت‌ها به خلاقیت ذهنی و مطالعات تفصیلی پژوهشگر از مآخذ قرض‌گیرنده (دسته) و مآخذ قرض‌دهنده دلالت‌هاست؛
۳. تنوع حوزه مطالعاتی پژوهشگر به غنای دلالت‌ها می‌افزاید؛
۴. استنادهای پژوهشگر درون‌متن دلالت‌ها به غنای دلالت‌ها می‌افزاید؛
۵. دلالت‌ها ممکن است به صورت گزاره‌ای مختصر یا پاراگراف‌های مفصل تنظیم شود؛
۶. دلالت‌ها را می‌توان سطح‌بندی کرد: دلالت‌های کلان، میانه و خرد؛
۷. پژوهشگر ممکن است نوعی تصویر یکپارچه در ارائه دلالت‌ها به صورت روایتی ارائه دهد؛

۸. هرچه پژوهشگر دلالت‌ها را واضح‌تر بیان کند، زمینه‌سازی کاربردی آن برای وی یا پژوهشگران آتی بیشتر خواهد شد؛

۹. در مورد حجم دلالت‌ها نمی‌توان درجه یا میزانی تعیین کرد، ولی اگر دلالت‌ها از خاصیت جامعیت و مانعیت برخوردار باشند، استحکام بیشتری خواهند داشت؛

۱۰. ممکن است درون متن دلالت‌ها استناداتی انجام نشود؛ در این صورت عقلانیت روایتی دلالت‌ها حائز اهمیت است. با این اوصاف هسته اصلی پژوهش‌های دلالت پژوهی در این مرحله نهفته است؛ زیرا مراحل پیشین زمینه‌سازی انجام این مرحله است. قوت و قدرت پژوهش دلالت پژوهی در این مرحله نهفته است. بنابراین، پژوهشگر باید تلاش کند دلالت‌ها را

به نحوهای جامع و مانع، شفاف و منطقی، روان و زیبا ترسیم کند؛ چون این مرحله نیاز به سیالیت ذهنی، توان پردازش، ذکاوت پیوند دادن سهم‌یاری‌ها و دلالت‌ها است.

اعتبارسنجی دلالت‌های احصایی

پژوهشگران پژوهش‌های کیفی از معیار «اعتمادپذیری یا قابلیت اعتماد» جهت ارجاع به ارزیابی کیفیت نتایج کیفی استفاده می‌کنند (توینینگ،^۱ ۲۰۰۰، ص ۱۰). از همین دسته، لینکلن^۲ و گوبا^۳ برای قابل اعتماد بودن پژوهش‌های کیفی، معیارهایی چون امکان اعتبار،^۴ تأییدپذیری،^۵ اطمینان‌پذیری^۶ و انتقال‌پذیری^۷ را ارائه کرده‌اند (سینکوویچ^۸، ۲۰۰۸، ص ۶۹۳).

قابلیت اعتبار به معنای تلاش آگاهانه برای اطمینان از تفسیر معنی داده‌ها از نظر صحت و درستی است. معتبر بودن مربوط به اعتبار داخلی پژوهش است؛ یعنی درجه حقیقی بودن یافته‌های مطالعه و اینکه یافته‌ها بازتاب هدف پژوهش و واقعیت است (محمدپور، ۱۳۸۸، ص ۸۱). برای سنجش معیار اعتبار، تکنیک‌های مختلفی همچون درگیری طولانی مدت و مشاهده مداوم، بازبینی توسط همکاران، زاویه‌بندی و ... ارائه گردیده است (طباطبایی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۶۶۴-۶۶۶) که در این پژوهش بازبینی توسط همکاران استفاده شد. به این منظور متن مصاحبه و کدهای استخراج‌شده به مشارکت‌کنندگان ارائه شد و آنها درباره صحت و سقم آن اظهار نظر می‌کردند و در صورت داشتن هرگونه مغایرت، مراتب مورد توجه و بررسی قرار می‌گرفت.

-
1. Twining
 2. Lincoln
 3. Guba
 4. Credibility
 5. Confirmability
 6. Dependability
 7. Transferability
 8. Sinkovics